

رونق کتابخوانی، فضای باز سیاسی- فرهنگی می‌خواهد

نظرات سه ناشر در پاسخ به «اعتماد»
درباره وضعیت نشر کتاب در ایران

سانسور، قاچاق کتاب و آمارسازی با کتاب‌های نازل را از مشکلات اصلی صنعت نشر می‌دانند

گروه هنر و ادبیات

حوزه کتاب در ایران در دهه‌های گذشته همواره با مشکلاتی روبه‌رو بوده است. با این وجود، نمی‌توان چشم پوشید از تفاوت‌های وضعیت کتاب و کتابخوانی که در هر دوره به سبب سیاست‌های فرهنگی حاکم به وجود می‌آید. از آنجایی که دولت‌های این چند دهه مدام از دو طیف خاص بودند که دیدگاه‌هایشان به مسائل فرهنگی عمدتاً در تقابل با یکدیگر بود، حوزه کتاب هم هر بار با روی کار آمدن دولتی جدید، دستخوش تحولاتی شد که بعضاً در نوع خود تاریخی بود. به یاد آوریم وزارت ارشاد دولت نهم و ضروری شدن بررسی مجدد برای صدور مجوز نشر برای کتاب‌هایی که بعضی‌هایشان حتی بیش از دو دهه از صدور مجوزشان می‌گذشت! تو گویی می‌خواستند برای سخن بدعت‌گذارانه هواداران رییس دولت وقت که انتخاب او را «انقلاب فرهنگی دوم» می‌خواندند، مصداق بسازند. آن بزنگاه تاریخی، نمونه خوبی است برای نشان دادن تقابلی که میان دو دیدگاه رایج به مقوله فرهنگ و از آن جمله کتاب وجود دارد. نگاه اول قائل به آزادی بیان برای پویایی فرهنگ و گسترش مرزهای آن است و نگاه دوم که فرهنگ را قابل مهار می‌پندارد، به دنبال محدود کردن تولیدکنندگان آثار فرهنگی به نفع دیدگاه و عقیده و مرامی خاص است. به عبارتی، نگاه اول به تکثر و چندصدایی قائل است و نگاه دوم به یکپارچه کردن صداها. قدر مسلم گروه دوم در تلقی بنیادینش از فرهنگ يك اشتباه ماهیتی دارد و آن اینکه

فرهنگ فی‌نفسه مهارناپذیر است و سخت‌گیرترین دولت‌ها و حکومت‌ها هم هرگز قادر به متوقف کردن اندیشه و هنر و امر خلاقه نبوده‌اند. گیرم در دوره‌هایی بازدارندگی‌ها مانع از آزادی بیان و ابراز عقیده شده باشد و انتشار تولیدات فرهنگی به تعویق افتاده باشد. در هفته کتاب امسال، سراغ سه تن از ناشران حوزه هنر و ادبیات رفتیم و درباره وضعیت نشر و مشکلاتی که فعالان این حوزه با آن روبه‌رو هستند، نظرشان را جویا شدیم. یادداشتهای مدیران انتشاراتی‌های «نگاه»، «افراز» و «حکمت کلمه» در پاسخ به درخواست گروه هنر و ادبیات «اعتماد» را در ادامه بخوانید.

کتاب‌های سانسور شده، مردم بی‌اعتماد

علیرضا رییس‌دانایی: برگزاری هفته کتاب، تصمیم خوبی برای گرم کردن تنور کتابخوانی در ایران است. حتی پیش از انقلاب هم هفته کتاب برگزار میشد و اتحادیه ناشران مسوول برگزاری آن بود. پس از انقلاب برای مدتی در برگزاری این مراسم وقفه افتاد، گرچه برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب کمک شایانی هم به ناشران بود و هم به افزایش نرخ کتابخوانی در ایران کمک کرد. به عبارت دیگر هم در بُعد اقتصادی به اقتصاد نشر کمک و هم امکانی برای ملاقات خوانندگان با نویسندگان، مترجمان و ناشران فراهم می‌کرد. شور و شوقی ایجاد می‌کرد که قطعاً به ترویج فرهنگ کتابخوانی کمک می‌کرد. امسال هم با وجود مشکلات اقتصادی اتحادیه ناشران تصمیم گرفت که هفته کتاب را برگزار کند و تکانی به فضای کرخت نشر و کتابخوانی بدهد. قطعاً با تخفیف‌هایی که کتابفروشان بر کتاب‌ها اعمال می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که استقبال بیشتری از کتاب و شور و شوقی در میان کتابخوانان ایجاد شود. اما باید پذیرفت که ترویج کتابخوانی و افزایش سرانه کتابخوانی و مطالعه در ایران تابع متغیرهای بسیار مهم‌تری است. من به عنوان کسی که 60 سال است در صنعت نشر مشغول به کار هستم و 50 سال است که انتشارات نگاه را تاسیس کرده‌ام و با توجه به تجربیات دست اولی که از فضای کتابخوانی در ایران دارم، می‌توانم با قاطعیت به شما بگویم که افزایش نرخ کتابخوانی در ایران بیش از هر چیز به اعتماد عمومی به کتاب‌های موجود در بازار و البته سیاستگذاری‌های فرهنگی در حوزه کتاب مربوط است. هم پیش از انقلاب و هم پس از انقلاب را تجربه کرده‌ام. هرگاه فضای سیاسی و فرهنگی بسته است و در جامعه نوعی سرخوردگی و دلمردگی وجود دارد اولین عرصه‌ای که آسیب می‌بیند، عرصه فرهنگ است.

متولیان امر و مدیران کلان فرهنگی باید فضای فرهنگی و اقتصادی را

برای چاپ و نشر آماده کنند. ممیزی‌های سلیقه‌ای و غیرعقلانی همواره به نشر، مولف، مترجم و خواننده لطمه زده است. هر وقت فضای سیاسی-فرهنگی جامعه باز بوده و سخت‌گیری‌های کمتری بر کار نشر اعمال می‌شده، استقبال از کتاب و در نتیجه سرانه مطالعه افزایش پیدا کرده است. در سال‌های اولیه پس از انقلاب که فضای سیاسی و فرهنگی باز بود و آرا و نظرات مختلف امکان بیان داشتند، کتاب با آزادی بیشتری چاپ و منتشر می‌شد و مردم نیز اعتماد فراوانی به کتاب داشتند. مطمئن بودند که کتاب‌ها سانسور نمی‌شوند و در نتیجه با اعتماد کامل کتاب می‌خریدند یا در دوره اصلاحات هم با چنین تجربه‌ای مواجهیم. بسیاری از کتاب‌هایی که در دوره پیش از اصلاحات بی‌دلیل ممنوع شده بودند، در فضای اصلاحات چاپ شدند و هیچ اتفاقی نیفتاد. فضای باز سیاسی - فرهنگی به افزایش تیراژ کتاب انجامید. مردم با اطمینان کتاب‌ها را می‌خریدند، چون مطمئن بودند کتاب را بدون حذف و سانسور می‌خوانند. نرخ کتابخوانی در آن دوره هم بالا رفت. میل به خواندن و مطالعه افزایش یافت. اقتصاد نشر پا گرفت و سرانه مطالعه هم بالا رفت. نه تنها تیراژ کتاب که تیراژ روزنامه‌ها و مجلات هم در آن دوره دگرگون شد. اما دقیقاً در دوره احمدی‌نژاد و افزایش سانسور و حذفیات و سخت‌گیری‌های بی‌مورد مجدداً با کاهش تیراژ کتاب، بی‌اعتمادی عمومی نسبت به کتاب‌های چاپ شده و کاهش سرانه مطالعه روبه‌رویم. اعتماد خریداران کتاب به سختی به دست می‌آید. با تلاش فراوان، اما متأسفانه سلب اعتماد آنها خیلی آسان و با کوچک‌ترین اتفاق رخ می‌دهد. در وضعیت کنونی هم متأسفانه با بازگشت به سیاست‌های بسته و سخت‌گیرانه دولت احمدی‌نژاد مواجهیم. حذفیات و تغییرات زیادی به کتاب‌ها اعمال می‌شود. بررسان ارشاد سلیقه و فکر خودشان را به کتاب‌ها تحمیل می‌کنند. مردم هم میدانند که این کتاب‌های چاپ شده در فضای نشر تفاوت زیادی با اصل کتاب‌ها دارند. تجربه تاریخی من در عرصه نشر به من نشان داده است که سانسور هرگز در دست یافتن به اهداف خود موفق نمی‌شود. اکنون کتاب قاچاقی و بدون مجوز به راحتی هم در کف خیابان‌ها و هم در فضای مجازی نشر می‌شود. بنابراین این کتاب‌ها از مسیری نامعقول در نهایت نشر پیدا می‌کنند. ولی باعث می‌شوند که خریداران کتاب نسبت به کتاب‌های چاپ شده بدبین و بدگمان باشند، چراکه این کتاب‌ها را تحریف شده میدانند.

دولت باید از سیاست‌هایی که بارها ناکامی آن اثبات شده دست بکشد و به ناشران و نویسندگان و مترجمان اعتماد بیشتری داشته باشد. این‌گونه می‌تواند به ترویج کتابخوانی و افزایش سرانه مطالعه کمک

کند. در این صورت برگزاری هفته کتاب به عنوان يك سیاست تکمیلی، قطعاً موثرتر خواهد شد. تجربه تاریخی 60 سال گذشته در حوزه نشر این موضوع را اثبات می‌کند. بهترین دوران نشر در ایران دقیقاً در زمان‌هایی رقم خورده است که دولت‌ها به اهل فرهنگ اعتماد بیشتری داشته‌اند. اعتماد آنها به اهل فرهنگ موجب اعتماد مردم به کتاب و در نتیجه ترویج کتابخوانی خواهد شد.

* مدیر نشر نگاه

بحرانی‌ترین روزهای صنعت نشر

اعظم کیان‌افراز: می‌توان گفت صنعت نشر کشور در چند ساله اخیر بحرانی‌ترین روزهای خود را پشت سر می‌گذارد. از هر منظر که بنگریم، چه به لحاظ تغییر مدیا و اقبال بیشتر به کتاب‌های پیدیاف و الکترونیکی نسبت به کتاب کاغذی و چه به لحاظ شرایط اقتصادی، بی‌ثباتی، نوسان و تورم روزافزون قیمت کاغذ و دیگر مواد مصرفی و به تبع آن افزایش بهای پشت جلد کتاب در این روزهایی که گذران معاش از همیشه سخت‌تر شده و کم شدن توان خرید مردم و از همه مهم‌تر وضع سانسور و ابلاغیه‌هایی که برای کتاب‌ها صادر می‌شود و با چندین بار رفت و برگشت باز چندین ماه می‌گذرد تا مجوز کتابی صادر شود. علاوه بر اینها باز هم خودی و غیرخودی کردن ناشران و فقط و فقط حمایت از خودی‌ها و ایجاد فضای رانتی و رقابت ناسالم به هر شکل، در مقابل سختگیری برای صدور مجوز کتاب‌های ناشران مستقل و به حاشیه کشاندن‌شان از همیشه بیشتر شده است. به هر حال هفته کتاب و کتابخوانی است و انتظار می‌رود تغییر قابل ملاحظه‌ای در فروش و استقبال کتاب‌ها صورت گیرد که متأسفانه به خاطر عدم اعتماد مخاطب در این چند ساله اخیر به کتاب‌های مجوزدار، بازار کتاب رونق خود را به شدت از دست داده است و بیشتر کتابخوان‌ها سمت کتاب‌های بدون سانسور که این روزها انتشارشان چه در داخل و چه در خارج از کشور به راحتی صورت می‌گیرد، اقبال نشان داده‌اند. امسال در هفته کتاب به پیشنهاد اتحادیه ناشران و کتابفروشان و همکاری برخی ناشران، موزعان و کتابفروشان، بدون هیچ حمایت و رانت دولتی به صورت کاملاً مستقل و صنفی، کتاب‌ها با تخفیف ده تا بیست درصد در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد که اتفاق خوبی است و البته بعد مشخص می‌شود چقدر با استقبال مواجه شده است. می‌دانیم سانسور همیشه و در همه دوران‌ها ضربه‌اش را به ادبیات و هنر عصر خودش زده است و مانع بزرگی برای خلق اثر خلاقانه است، چراکه نویسندگان هر قدر هم بخواهد با فکر باز و بدون توجه به سانسور بنویسد، ناخودآگاه دچار

خودسانسوري ميشود و از همان نقطه اول سانسور ضربه اش را به خلق اثر خلاقانه زده است. اکنون با گردش آزاد اطلاعات و در زمانه اي که با کليک يك دکمه هر اطلاعاتي لازم باشد در مورد هر موضوعي به راحتی در دسترس مخاطب است و ديگر مواردی که چند سطر بالاتر ذکر شد، سانسور آن هم براي کتاب با تیراژ ۲۰۰ تا ۵۰۰ نسخه محلي از اعراب ندارد و متاسفانه نه تنها به نابود کردن اين صنعت و کمتر شدن کتابخواني دامن ميزند، بلکه پيامدهاي بي شمار ديگري دارد که در اين مقال نمي گنجد.

* مدير نشر افراز

واقعيت کتاب در آمارها و بيلبوردها نيست

فرياد ناصري: هيچ نظري نمي تواند فارغ از موضع ناظر خبري از منظره بدهد. هفته کتاب و کتابخواني حتما در شکل تقويمي و رسمي اش با آمارهاي درخور توجهي برگزار شده است و خواهد شد. قصد و نيت چنين رسم و آييني بسيار هم نيکو و قابل ستايش بوده است، اما از اينجايي که من ايستاده و نگاه مي کنم فارغ از آمارها و بيلبوردها و پوسترها و مراسمهاي تقويمي، کتاب چيزي شده که اهميت و ضرورتش را در فرهنگمان از دست داده است.

مسلماء عده اي پيدا خواهند شد که بگويند نه چنين نيست و رونق را نگر يا اينکه مسلما کتاب مرجعيت تاريخي اش را در برابر ديگر رسانه ها از دست داده و اين خاصيت جهان معاصر ماست. من نيز همه اينها را ميدانم. آنچه من از آن سخن مي گويم، غيبت معناست در برابر هجوم و هجوم اطلاعات که مي خواهد خودش را جاگزين معنا کند. کتاب نماد و سنگر معنا بوده است. اکنون آيا با دادن جاگاه تقويمي يا برگزاري برنامه هاي آماري مي توانيم مدعي شويم که کتاب و معنا را توانسته ايم در برابر اين هجومها نجات دهيم؟ خود اين برنامه ها به وقتي که ميدانيم ميل به خريد و قدرت خريد کتاب چقدر و چه ميزان است، خود آيا همان هجوم نيست که به معنا تسخر ميزند؟ حرفم اين نيست که خب حالا همين هم نباشد، حرفم اين است که اين زحمت و آيينها را که حتما مخارج درخوري هم صرفش ميشود به شکل و شمایلهاي برگزار کنيد که اهل کتاب بيشتر از ادارات درگير باشند. وقتي اهل کتاب درگير باشند، کتابها امکان معرفي بيشتر پيدا مي کنند. امکان نقد و رشد بيشتر در کار شاعران و نويسندگان و مترجمان فراهم ميشود و البته اين کار مستلزم اين است که متوليان

بپذیرند متولیانند و نه داور، چراکه تا زمانی که متولیان در نقش داور ایفای نقش می‌کنند، بسیاری از کتاب‌ها پیشاپیش باخته‌اند و ارزش این را ندارند که برای‌شان صرف وقت و هزینه شود. متولیان باید سبب باشند. فراهم‌کننده امکاناتی باشند که همه صداها به یک میزان شنیده شود تا درست‌تر نقد شوند. می‌دانیم که صدایی اگر شنیده نشود تا وقتی که به گوش نرسیده است، می‌تواند در فضایی مبهم و رازآلود ادعاهای کلانی بکند. تمام تلاش من این است که در این چند خط توجه را به معنا بدهیم. معنا بدون کارهای ظاهری تجلی پیدا نمی‌کند و ظاهر بی‌معنا مرده متحرک است. معنا و ظاهر تنها زمانی می‌توانند درخور و مناسب کنار هم بنشینند که اهمیت و ضرورت چنین وجودی زنده باشد و درک شود. آنچه اکنون و امروزه عیان است ادارات و متولیان، کتاب را در برنامه‌های تقویمی و برنامه‌های آماری برده‌اند، هر کمکی هم که می‌شود به قشر و ظاهر کار و کتاب می‌شود - مثل دادن کاغذ- و حرفی از آن معنای مفقود نیست. کتابفروشی‌های بزرگ و پرزرق و برق هم کتاب را برده‌اند در ساحت مصرف، فضای مجازی و سلبریتی‌هایش کتابی را به دست گرفته‌اند که کتاب نیست. جلوه و ظاهر است و اهل کتاب متحیر و سرگردان از این روزگار تا می‌خواهند بگویند کتاب خواسته و خوانده نمی‌شوند، آمارهای رسمی از یک سو و شمارگان چاپ کتاب‌های «نه‌کتاب» در فضای مجازی از سوی دیگر بر دهان‌شان کوبیده می‌شود که پس اینها چیست؟ اهل کتاب می‌دانند، اینها مثنی بی‌کتابند که کتاب «نه کتاب» را جای کتاب نشانده‌اند.

* مدیر نشر حکمت کلمه

علیرضا ریسه‌دانایی: افزایش نرخ کتابخوانی در ایران بیش از هر چیز به اعتماد عمومی به کتاب‌های موجود در بازار و البته سیاستگذاری‌های فرهنگی در حوزه کتاب مربوط است. هر گاه فضای سیاسی و فرهنگی بسته است و در جامعه نوعی سرخوردگی و دلمردگی وجود دارد، اولین عرصه‌ای که آسیب می‌بیند، عرصه فرهنگ است.

اعظم کیان‌افراز: در روزهایی که گذران معاش از همیشه سخت‌تر شده از یک سو با افزایش بهای کتاب روبه‌رو هستیم و از سوی دیگر با سانسور، خودی و غیرخودی کردن ناشران و حمایت از خودی‌ها در مقابل سخت‌گیری برای صدور مجوز کتاب‌های ناشران مستقل و به حاشیه کشاندن‌شان نیز از همیشه بیشتر شده است.

فریاد ناصری: متولیان بپذیرند متولیانند و نه داور. تا زمانی که به عنوان داور ایفای نقش می‌کنند، بسیاری از کتاب‌ها پیشاپیش

باخته‌اند. متولیان باید سبب باشند. فراهم‌کننده امکاناتی باشند که همه صداها به يك میزان شنیده شود تا درست‌تر نقد شوند. صدایی که شنیده نشود، می‌تواند در فضایی مبهم و رازآلود ادعاهای کلانی بکند.

م: ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ 9 ۰۰۰ 1402 ۰۰۰۰۰۰۰۰